

اخبار کوتاه داخلی

واکسن روسی کرونا به حسین روحانی تزریق شد

حسین روحانی سرمربی تیم ملی کاراته روسیه به عنوان اولین ایرانی، واکسن روسی کرونا را تزریق کرد. به گزارش ایسنا، حسین روحانی سرمربی ایرانی تیم ملی کاراته روسیه و کاراته کاهای روس، واکسن ساخته شده توسط این کشور را برای از بین بردن ویروس کرونا تزریق کردند.

وی در این باره گفت: با وجود این که چندین مرتبه خواستار گرفتن اطلاعات درباره این واکسن شده ام، روس ها هیچ توضیحی در این باره ارائه نکردند. روحانی تصریح کرد: قبل از تزریق واکسن یکسری از اسناد را امضا کردم و در نهایت واکسن به من و دیگر نفرات تیم ملی کاراته روسیه تزریق شد.

خلیل زاده: قصد ناراحت کردن هواداران پرسپولیس را نداشتم

شجاع خلیل زاده در واکنش به انتقادات به عکسی که پس از معارفه وی در تیم البریا منتشر شد، گفت: قصد ناراحت کردن هواداران پرسپولیس را نداشتم و آنها همیشه برای من محترم هستند. به گزارش ایرنا، شجاع خلیل زاده چندی پیش، فرارداشت را با البریا به امضا رساند اما باشگاه البریا پرپروز با انتشار عکسی از وی، خبر پیوستن خلیل زاده را رسماً اعلام کرد. عکسی که با انتقادات تندى علیه خلیل زاده همراه بود. خلیل زاده در این باره گفت: واقعاً قصد نداشتم با این کار هواداران عزیز پرسپولیس را برانجام. یکی از مسئولان باشگاه البریا از من خواست که این کار را انجام بدهم، شما بگویید من وقتی یکی از مسئولان باشگاه این کار را از من خواست آیا می توانستم جواب منفی بدهم؟

نحوه برگزاری ادامه لیگ برتر والیبال مشخص شد

تکلیف نحوه برگزاری ادامه مسابقات لیگ برتر والیبال باشگاههای کشور مشخص شد. به گزارش خبرگزاری فارس، نشست هماهنگی بین هیأت والیبال و مسئولان قهرمانی باشگاههای برتر مردان ایران یادآور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، با حضور نمایندگان باشگاهها در آکادمی ملی المپیک برگزار شد.در پایان این نشست مشخص شد که این جمع بندی رسیدن به مسابقات دور رفت، در سه هفته با فاصله استراحت دو هفته ای در ۳-۱۴ آبان به میزبانی تهران برگزار شود. برای برگزاری مسابقات دور برگشت هم حصار به این نتیجه رسیدند که مسدل لیگ ملت های والیبال، در پایان ۸ آیم به پلی آف صعود کنند که دراین مرحله تیم اول با هشتم، دوم با هفتم، سوم با ششم و چهارم با پنجم روبرو خواهد شد.

رقابت های انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی بر گزار می شود
با نظر کار فنی، رقابت های انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی برای حضور در مسابقات جهانی ۲۰۲۰، پرسرستان روز پنجشنبه ۱۵ آبان ماه در ۱۰ وزن و در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی تهران برگزار می شود.به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی فدراسیون کشتی، این رقابت ها بدون تماشاگر و با رعایت پروتکل های بهداشتی برگزار خواهد شد و فدراسیون کشتی تلاش دارد برای پخش مستقیم آن از رسانه ملی خواهد کرد.این مسابقات در تاریخ ۱۰ گانه به شرح زیر خواهد بود:
۵۵ کیلوگرم: پیا پادامز یا سجاد عباس پور، ۶۰ کیلوگرم: برنده مهدی محسن نژاد و پویا ناصوری با علیرضا نجاتی، ۶۳ کیلوگرم: میثم دلخانی با رضا سردری، ۶۷ کیلوگرم: حسین اسدی با محمد رضا گزایی، ۷۲ کیلوگرم: برنده اشکان ویروس از اسفند ۱۳۹۸ آخرین ماه تابستان و نیز اوایل پاییز ۹۹ رتقا یافته است.

تجربه یابی گفت: مطالعه انجام شده در مرکز تحقیقات ژنتیک دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی نشان می دهد که ۱۴ تغییر ژنومی در ۱۰ درصد نمونه ها رخ داده است که ۱۴ تغییر از ۱۰۰ تغییر است.
بلا در داده های جمعیت های دیگر مشاهده شده اند، فقط ۴ تغییر جدید در همان نواحی بوده اند. همچنین قبلاً جهش دیده شده بود و نقش این ۴ تغییر جدید در بیماری ژنایی هنوز به درستی مشخص نیست.
رئیس مرکز تحقیقات ژنتیک دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در پایان گزارش که مطالعه وارد همه گم ها با مطالعات سایر کشورها انجام گرفته است، نشان می دهد برای شناسایی به موقع تغییر در ساختار و سیر گردش ویروس در طول زمان، نیاز به ادامه توالی یابی تعداد بیشتری ویروس با روش توالی یابی نسل جدید است تا هر چه سریع تر بتوان به تشخیص گونه جهش یافته برای اتخاذ اقدامات درمانی مناسب دست یافت.

مدیریت های غلط در باشگاه

استقلال باعث به وجود آمدن حاشیه های بسیاری در این باشگاه شده است.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، باشگاه استقلال این روزها در حالی با شکایت سرور جباروف و بسته شدن پنجره نقل و انتقالات روبرو شده که می توان این موضوع را از دستاوردهای دوران مدیریتی افتخاری در استقلال دانست. افتخاری در توجیه رفع و رجوع برخی پرونده ها، اما پرونده های شکنجی در سنگین تری از جمله جباروف را برای باشگاه به ارث گذاشت.

پس از دوران مدیریتی افتخاری، فتحی به عنوان مدیر عامل جدید آبی پوشان انتخاب شد و این مدیر هم با یستن در به روی ویفترد شفر سبب شد استقلال اکنون میلاردها تومان متضرر شود. باشگاه استقلال تهران با پارسل با انواع بحران های مدیریتی مواجه شد. این مشکلات پیش از شروع فصل و در دوران مدیریت امیرحسین فتحی و معاون جنجالی خلیل زاده با یستن در به روی ویفترد شفر و مهاجرت علی خطیر آغاز شد و در نهایت خطیر پس از اختلاف هایی که در زمان نقل و انتقالات به ویژه وریا غفوری، سید حسین حسینی و جاییا بازکنانی چون سید مهدی رحمتی و پژمان منتظری بین او و برخی اعضای هیئت مدیره باشگاه به ویژه کامران منزوی و احمد سعادت مند به وجود آمد از سمت خود استعفا داد که این استعفا ۵ مرداد از سوی فتحی مورد موافقت قرار گرفت.

چراپی از دست رفتن نایب رئیسی والیبال آسیا از نگاه محمودی

عضو هیات رئیسه فدراسیون والیبال ایران در واکنش به از دست رفتن کرسی ایران در آسیا گفت: شاید دوری داوروزی از ریاست فدراسیون و حضور در وزارت ورزش یکی از دلایل این اتفاق باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، داوروزی که پیش از این به عنوان رئیس منطقه آسیای مرکزی و نایب رئیس کنفدراسیون آسیا فعالیت می کرد، در این دوره، نایب رئیسی در آسیا را از دست داد. خبری که سایز رسمی فدراسیون آن را منتشر بهنام محمودی در گفتگو با خبرنگار مهر درباره از دست رفتن کرسی ایران در والیبال آسیا گفت: سابقاً پشت پرده را نمی دانم ولی هر چقدر کرسی های جهانی داشته باشیم قطعاً به نفع والیبال ایران خواهد بود. تیم ملی والیبال ایران رشد خوبی در آسیا و جهان داشته است اما به بحث تیم ها، مربیان، باشگاه ها، داوران و کرسی های بین المللی ضعف داریم که باید جبران شود.

وی تأکید کرد: سرستان لیگ قدرتمندی ندارد اما صادر کننده بازیکن و مربی به جهان است ما نیز باید در این زمینه فعال باشیم. باید تلاش کنیم کرسی های مختلف بین المللی کسب کنیم. نیاز است بازیکنی صورت گیرد و بتوانیم لای لی انجام دهیم. تیم ملی والیبال جایگاه خوبی دارد و بعد از فوتبال دومین رشته محبوب و پرطرفدار کشور است. باید تلاش کنیم که فراتر هم برویم. بنابراین لازم است که کرسی های بین المللی نفوذ داشته باشیم. محمودی در پاسخ به این سوال که ضعف مدیریتی از کجا ناشی می شود که به راحتی کرسی از دست می رود؟ گفت: اصلاً در جریان اتفاقات نوزم و علت را باید از داوروزی پرسید. شاید به واسطه حضور دو ساله داوروزی در وزارت ورزش و دور بودن از ریاست فدراسیون والیبال این اتفاق رخ داده است. به دی کار کرسی ها بازیگری می شود و نباید یکی از دلایل این موضوع بوده است. داوروزی لای بیشتی انجام نداده اند. مسائلی وجود دارد که داوروزی بهتر می تواند توضیح دهد.

وزارت بهداشت: ابتلا و مرگ و میر کرونا در ۱۵ استان

روند صعودی دارد

بقیه از صفحه ۳

وی تأکید کرد، این مطالعه در نوع خود منحصر به فرد و بسیار ارزشمند است، چرا که اول به دلیل صحت یافته های به دست آمده، دوم به دلیل به کارگیری تکنیک پیشرونده توالی یابی کل ژنوم و سوم به دلیل دسترسی به نمونه هایی از ویروس ها در همان ماه های آغازین ورود به کشور باعث بیماری زایی شده اند.
اطلاعات ما از ماهیت ژنوم ویروس از اسفند ۱۳۹۸ آخرین ماه تابستان و نیز اوایل پاییز ۹۹ رتقا یافته است.

تجربه یابی گفت: مطالعه انجام شده در مرکز تحقیقات ژنتیک دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی نشان می دهد که ۱۴ تغییر ژنومی در ۱۰ درصد نمونه ها رخ داده است که ۱۴ تغییر از ۱۰۰ تغییر است.
بلا در داده های جمعیت های دیگر مشاهده شده اند، فقط ۴ تغییر جدید در همان نواحی بوده اند. همچنین قبلاً جهش دیده شده بود و نقش این ۴ تغییر جدید در بیماری ژنایی هنوز به درستی مشخص نیست.

رئیس مرکز تحقیقات ژنتیک دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در پایان گزارش که مطالعه وارد همه گم ها با مطالعات سایر کشورها انجام گرفته است، نشان می دهد برای شناسایی به موقع تغییر در ساختار و سیر گردش ویروس در طول زمان، نیاز به ادامه توالی یابی تعداد بیشتری ویروس با روش توالی یابی نسل جدید است تا هر چه سریع تر بتوان به تشخیص گونه جهش یافته برای اتخاذ اقدامات درمانی مناسب دست یافت.

رئیس کمیته علمی ستاد

مقایله با ویروس کرونا تصریح کرد: درصورت مدیان تولید داروهای درمانی کرونا با وجود مخالفت های علمی کمیته تلاش می کنند داروی خود را بدون انجام آزمایش روی مردم امتحان کنند. اما خوشبختانه فعالیست این افراد با ورود نیروی درمانی مناسب دست یافت.

مقایله با ویروس کرونا تصریح کرد: درصورت مدیان تولید داروهای درمانی کرونا با وجود مخالفت های علمی کمیته تلاش می کنند داروی خود را بدون انجام آزمایش روی مردم امتحان کنند. اما خوشبختانه فعالیست این افراد با ورود نیروی درمانی مناسب دست یافت.

نظر به اینکه پرونده افراد مشروح ذیل در هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد بررسی قرار گرفته و منجر به صدور رای شده است و با توجه به عدم دسترسی به نامبر دگان بدینوسیله به ایشان اطلاع داده می شود چنانچه در ایران سکونت دارند ظرف مدت یکماه و در صورت سکونت در خارج از کشور ظرف مدت سه ماه پس از تاریخ انتشار این آگهی به مدیریت نوسازی و توسعه سرمایه انسانی و تحول اداری دانشگاه واقع در شیراز، خیابان کریم خان زند، روبروی خیابان فلسطین، ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شیراز طبقه سوم مراجعه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر مذکور رای صادره قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	تاریخ تولد	شماره شناسنامه	محل صدور	مجازات
۱	مریم زارع موبدی	عباس	۱۳۵۹	۱۸۸۴	شیراز	بازخرد خدمت
۲	حسن فتوحی زاده	علی	۱۳۵۲	۳۲۴۵	لارستان	بازخرد خدمت
۳	فرزانه سلوک حقیقی	عباس	۱۳۵۲	۱۵۷۲۲	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۴	صدقه فروزان	الماس	۱۳۶۰	۷۰۰	کهنکوه و بویراحمد	بازخرد خدمت

مدیریت منابع انسانی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

ورزشی

بر و بیاهای حاشیه ساز و آینده مبهم مدیریتی استقلال



روز ۱۳ بهمن سال گذشته از سوی مجمع عمومی باشگاه زده شد و ورودی باشگاه سبب شد امیرحسین فتحی از سمت خود استعفا بدهد و یک روز بعد روح اسماعیل خلیل زاده با حفظ سمت ریاست هیئت مدیره، به عنوان سرپرست جانی فتحی را روی صندلی مدیریتعاملی باشگاه یکپیکر.
خلیل زاده با کنار رفتن فتحی، پروژه بازگشت استراماچونی را آغاز کرد ضمن اینکه در همان برهه علی فتحح اله زاده هم به صورت غیر رسمی به جمع اعضای هیئت مدیره اضافه شد، اما مصاحبه عجیب او در یکی از برنامه های تلویزیونی و مطرح کردن شرط های جدید استرا، نشان داد احتمال بازگشت این مربی به صفر رسیده و در نهایت هم همین شد. پس از قطعی شدن جدایی استرا و دستیارانش، هیئت مدیره برای پرداخت تصمیم گرفت فرهاد حیدری را به عنوان جانشین او انتخاب کند. البته مدیرعامل باشگاه، منصور کرد که این موضوع با دلخوری فراوان موسوی همراه شد، چراکه تصور می کرد خلیل زاده و فتح الله زاده به نوعی او را دور زده اند و به همین دلیل او هم به صورت شغاهی استعفا داد. با این اوصاف دوران سرپرستی فتح الله زاده هم به یک باشگاه همیشه با حاشیه همراه باشد و کمک های مالی موسوی عضو هیئت مدیره از جمله واریز ۱۰ میلیارد تومان به حساب باشگاه و اختصاص پرواز چارتر برای سفر اعضای تیم به امارات و قطر برای دیدارهای مرحله پلی آف لیگ قهرمانان و همچنین سفر به عراق و کویت برای بازی با الشرحطه و الاهلی باز هم سبب نشد استقلال به واقع نشد و سعادت مند هم پس از ماه ها فاصله از استقلال سکان این باشگاه را در دست گرفت. مدیر عاملی که هر بار با وعده های خود، فقط عا شد احضار هواداران استقلال را به حساب می زدند.
خلیل زاده نیز استعفا داد و به جای خود امیرحسین فتحی را سرپرست جدید باشگاه منصوب کرد که این موضوع با دلخوری فراوان موسوی همراه شد، چراکه تصور می کرد خلیل زاده و فتح الله زاده به نوعی او را دور زده اند و به همین دلیل او هم به صورت شغاهی استعفا داد. با این اوصاف دوران سرپرستی فتح الله زاده هم به یک باشگاه همیشه با حاشیه همراه باشد و کمک های مالی موسوی عضو هیئت مدیره از جمله واریز ۱۰ میلیارد تومان به حساب باشگاه و اختصاص پرواز چارتر برای سفر اعضای تیم به امارات و قطر برای دیدارهای مرحله پلی آف لیگ قهرمانان و همچنین سفر به عراق و کویت برای بازی با الشرحطه و الاهلی باز هم سبب نشد استقلال به واقع نشد و سعادت مند هم پس از ماه ها فاصله از استقلال سکان این باشگاه را در دست گرفت. مدیر عاملی که هر بار با وعده های خود، فقط عا شد احضار هواداران استقلال را به حساب می زدند.
خلیل زاده نیز استعفا داد و به جای خود امیرحسین فتحی را سرپرست جدید باشگاه منصوب کرد که این موضوع با دلخوری فراوان موسوی همراه شد، چراکه تصور می کرد خلیل زاده و فتح الله زاده به نوعی او را دور زده اند و به همین دلیل او هم به صورت شغاهی استعفا داد. با این اوصاف دوران سرپرستی فتح الله زاده هم به یک باشگاه همیشه با حاشیه همراه باشد و کمک های مالی موسوی عضو هیئت مدیره از جمله واریز ۱۰ میلیارد تومان به حساب باشگاه و اختصاص پرواز چارتر برای سفر اعضای تیم به امارات و قطر برای دیدارهای مرحله پلی آف لیگ قهرمانان و همچنین سفر به عراق و کویت برای بازی با الشرحطه و الاهلی باز هم سبب نشد استقلال به واقع نشد و سعادت مند هم پس از ماه ها فاصله از استقلال سکان این باشگاه را در دست گرفت. مدیر عاملی که هر بار با وعده های خود، فقط عا شد احضار هواداران استقلال را به حساب می زدند.

آمدن مشکلاتی بین طرفین شد تا جایی که در مهم ترین مسابقه ها، سعادت مند برای بازگرداندن استرا به ایتالیا رفت و حاشیه های زیادی را برای تیم رقم زد. قرارداد با شرکتی برای تولید فلکس آبی و برند البسه خارجی که البته هیچوقت کت و شلوارهای ایتالیایی بر تن بازیکنان استقلال دیده نشد، همه از دستاوردهای سعادت مند بود. هر چند او ادعا داشت که توانسته سند دو زمین را برای باشگاه استقلال، در اختیار بگیرد. در نهایت هم، دعوا و دگریری بین کادر فنی و مدیریتی بالا گرفت تا فرهاد استغای خود را به صورت شغاهی اعلام کند و با این ترتیب تیم فوتبال استقلال با جدایی فرهاد و نیامدن استرا با دست خالی و البته سرمربیگری مجید مناجو مطلق با به رقابت های لیگ قهرمانان آسیا بگازدار و در نهایت با حذف از آسیا سعادت مند باعث بوجود آمدن حاشیه های جدیدی برای باشگاه شود. با بازگشت از قطر، ریشه به تیم و باشگاه زد و در نهایت، دوزخی سعادت مند درباره بازیکنان و قلیان کشیدن و صحبت های او در یک برنامه تلویزیونی، باعث شد تا وزارت ورزش و جوانان و اعضای هیئت مدیره او از مدیریت استقلال برکنار و احمد مددی را به عنوان سرپرست جدید باشگاه انتخاب کنند.
به این ترتیب ماجرای بر و بیاهای فتح الله زاده را به عنوان دارد در حالی که آخر آن همچنان در ابهام است.

گنج خانلو: باید تکران سالم بودن تجهیز اتمان باشیم

او افزود: فقط قیمت تنه دوچرخه من ۵۵ میلیون تومان شده است و در تمام طول سال که در مسابقه هفتم ۱۰۰ میلیون می گیرم و اگر تنه دوچرخه ام می شکست مثل این بود که شش ماه از سال با وجود زخمی که کشیده بودم چیزی عایدم نشده بود. در حال حاضر قیمت تجهیزات به گونه ای شده که وقتی زمین می خوریم باید بجای تنه دوچرخه، سلامت، بگویم تجهیزات سلامت. این حرف دل همه دوچرخه سواران است. حال ممکن است به زیان نیاورند و با وضعیت به گونه ای است که بیشتر باید تکران سالم بودن تجهیزاتمان باشیم.

طباطبایی: اردوی تیم ملی کاراته در آزادی بر گزار می شود

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

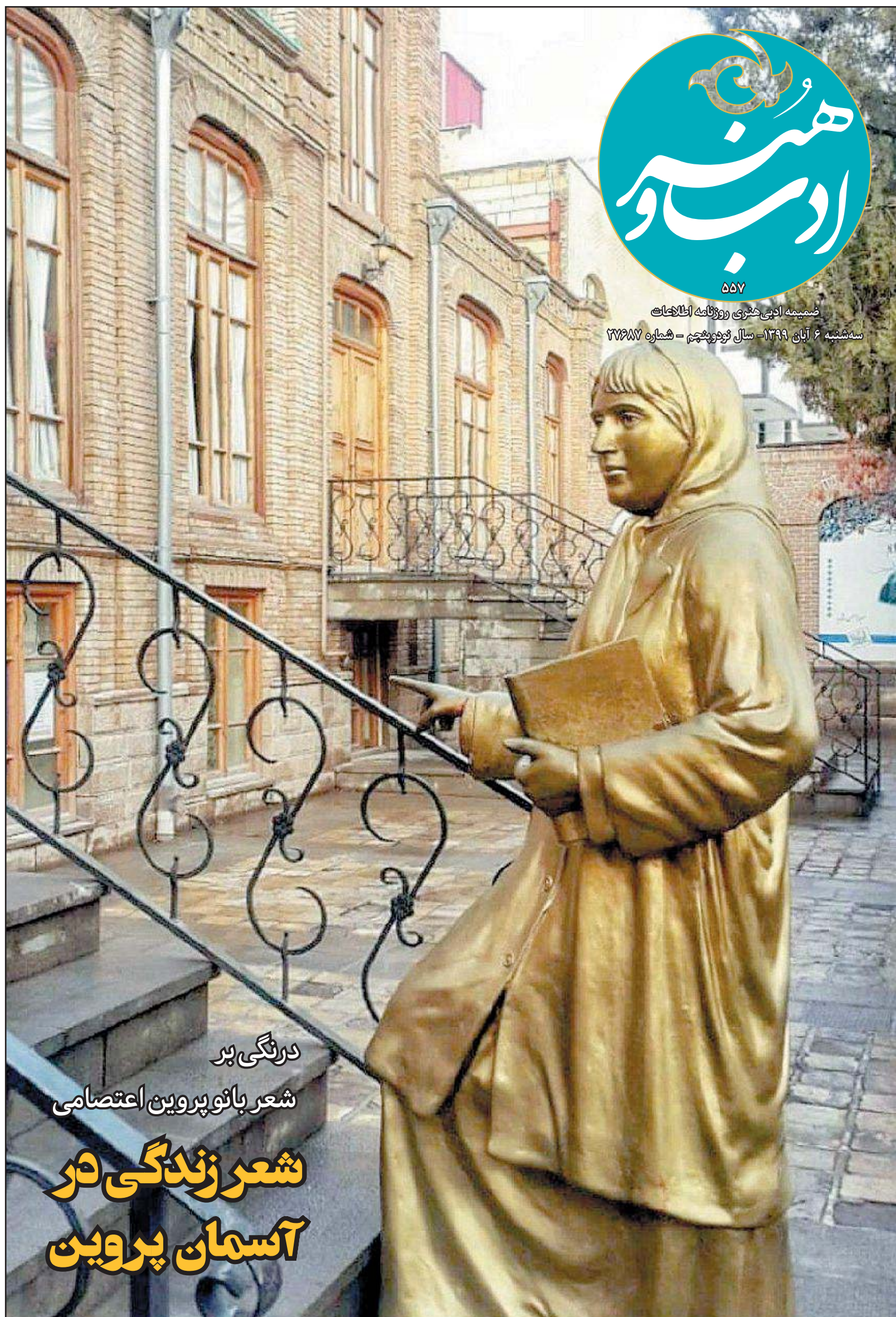
در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت: شرایط کرونا پیچیده است و با اینکه پروتکل ها با سخت گیری انجام می شود، بازم برخی مبتلا می شوند. معتقدم هرچه جمع کمتر باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

در انجاء خواهیم داد تا اردوهای بعدی در این محل باشد.
رئیس کنفدراسیون کاراته در خصوص وضعیت برگزاری تمرینات تیم های ملی در شرایط سخت کرونایی، اظهار داشت



ضمیمه ادبی هفتی روزنامه اطلاعات
سه شنبه ۶ آبان ۱۳۹۹ - سال نود و پنجم - شماره ۲۷۶۸۷



درنگی بر
شعر بانو پروین اعتصامی
**شعر زندگی در
آسمان پروین**

۴۶



گنجینه آشنا

دکتر حسین الهی قمشه‌ای

مجاز و حقیقت

اگر بگوییم: «ترگسش عربده‌جوی و لبش افسوس کنان»؛ در اینجا ترگس به معنی چشم است که از پاره‌ای جهات به ترگس شبیه است و به مناسبت این شباهت می‌توان یکی را به جای دیگری نهاد چنان که گاهی به خود ترگس نیز اطلاق چشم می‌شود. از این حیث که گویی چشم جویبار است. بدین بیان، در ادبیات، بیشتر دلالت‌های ما دلالت وضعی لفظی التزامی است.

در تعبیر دیگر، دلالت لفظ را به معنای حقیقی که همان دلالت مطابقی است، حقیقت می‌گویند و بر غیر معنای حقیقی «مجاز» و بعضی از ادبا گفته‌اند که بیشتر استعمالات قرآن، تشبیهات و استعارات و مجازات و کنایات است که همه از جنس دلالت‌های التزامی است؛ یعنی الفاظ مورد استفاده در قرآن بیشتر در معانی غیر از معنی ظاهری کلمه به کار رفته است و گاهی از این دو گونه معنی، تعبیر به معنای تحت‌اللفظی (مطابقی) و معنای ادبی یعنی التزامی می‌کنند. در زبان انگلیسی از «literally» و «literary» برای معانی تحت‌اللفظی و معنای ادبی استفاده می‌کنند.

نکته مهم این است که وقتی عارفان، سخن از مجاز و حقیقت می‌گویند، مجاز به معنی سایه، خیال، تصور و توهمی از آن حقیقت است. به همین جهت هر چیز مجازی را نکوهش کرده‌اند.

در این مقام مجازی به جز بیاله مگیر

در این سراچه بازیچه غیر عشق میاز
«حافظ»

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید

شمرنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
«حافظ»

ای دل جزع مکن که مجازی است این جهان

وی دل غمین مشو که سپنجی است این سرای
«مسعود سعد سلمان»

اینهمه باد و بود تو خواب است

خواب را حکم نیست جز به مجاز
«رودکی»

اما چون گفته‌اند که: «المجاز قطرة الحقیقه»؛ یعنی مجاز پلی به سوی حقیقت است، عارفان بر آنند که مجاز لب بر لب حقیقت است و اگر تا انتها سایه پیش‌روی، به آفتاب می‌رسی. و در عشق مجازی یعنی عشق خاکی و ناپایدار گفته‌اند: «این مجازی تا حقیقی می‌کشد» و به قول مولانا: عاشقی گر زین سر و گر زان سر است

عاقبت ما را بدان سر رهبر است
اما آنچه به موضوع دلالت التزامی مربوط می‌شود، بحث تشبیه و استعاره و مجاز در ادبیات است که نقش اساسی در ماهیت شعر دارند و بیان آن بسیار ساده و روشن است:

اگر بگوییم «علم مانند درخت است» و «چشم او به ترگس ماند»؛ این طرز بیان را تشبیه خوانند که به زبان منطقی می‌گوییم الف مانند ب است، اما اگر گویند ترگس و منظور چشم باشد، آن را استعاره خوانند. مشروط بر آنکه دلیل ما بر گفتن ترگس و اراده چشم کردن، مشابهت آن دو باشد.

ترگسش عربده‌جوی و لبش افسوس کنان

نیم شب یار به بالین من آمد بنشست
«حافظ»

اما اگر بگوییم که الف و مقصودمان ب باشد و دلیل معقول ما بر انتقال از این معنی به معنی دیگر، عاملی غیر از مشابهت باشد، این بیان را مجاز خوانند.

ادامه دارد

درنگی بر شعر بانو پروین اعتصامی

شعر زندگی در آسمان پروین

• شاهرخ تندرو صالح

ادبی نیز بر خوردار نبود. در میان معر که شعر و شاعری ایران آن زمان، آنچه او را دیدنی تر از دیگر چهره ها می‌سازد، صداقت و حیای او در به کار گیری کلمات و دایره مفهومی واژگانی اش در شعر تعلیمی - انتقادی است.

این نکته ای مهم است که خواهی نخواهی در نقد ادبی نیز جای خود را خواهد یافت. اگر نقد ادبی در ایران موفق شود که اثر ادبی را با قیده‌های خود یافته و من در آوردی نسجد، بی تردید به دستاوردهای شگفتی خواهد رسید. متأسفانه، دادن نشانی های غلط و پرت، از جمله عواملی است که مقدمات گوشه نشینی و سکوت به اختیار در میان اندیشمندان و اهل قلم راستین ما را رقم زده و می‌زند.

در میان اندیشمندان نقد ادبی ایران معاصر، چهره هایی هستند که آثار و اندیشه شان پویایی خاصی دارد. غلامحسین یوسفی، عبدالحسین زرین کوب، جلال متینی، احمد کریمی حکاک، دکتر محمد رضا قانون پرور، حورا یآوری، فرشته داوران، دهخدا، بهار، آراین پور، اسلامی ندوشن، دبیر سیاقی و...

البته که بسیار بسیار دیگران نیز از این اعجوبه خواهند نوشت، اما آنچه آدمی را دلگیر می‌کند، این است که متأسفانه هنوز معیار سنجش اثر ادبی از انشاء نویسی، چیزهایی است که دخلی به خود ادبیات ندارد. یعنی کافی است که یکی از میان همه و هیا، نکته‌ای پرت در میان افکند. همان پرت افکنی سبب تارک سازی زمینه پژوهش می‌شود. تردید نیست که این ضعف، از جمله معضلاتی است که پژوهش و نقد ادبی ایران با آن دست در گریبان است. پروین، فرزند زمانه خودش بود، اما طوق فرزندخواندگی تجدد زدگی را بر گردن خود و شعرش نینداخت. همین مسأله است که گوشه گزینی و انزوا جستنش را رقم می‌زند. با این حال، شعرهایش در زمره جاودانه های عدالت جویی و نوع دوستی



شاعر فارسی است.

او قصیده هایی دارد که به تمامی معرّف مضامین انسانی شاعرانه است. قصیده یک شعر سخت و دراز نفسانه است که گاه در خواندن، خواننده خود را از نفس می‌اندازد تا به بیت پایان خود برسد. البته این که قصیده شاعر چه مضمونی در خود دارد، از جمله مواردی است که خواننده را مجذوب می‌سازد.

قصاید پروین، تأملات انتقادی و نگرش های ارتباطاتی شاعر با زمان و زمانه خویش و نیازهای معنوی جامعه زنان را بازخوانی می‌کند. شاید بتوان شعرا را پژواک صداهای فراموش امیر بانوان پرده نشین ایران در گذار نام نهاد. سهم شعر پروین در پژوهش و مطالعات ایران شناسان اروپایی و آمریکایی در جهان شاعران ایران معاصر، بسی بیش از آن است که قابل کنار گذاشتن باشد.

پروین شاخص ترین شاعری است که در ادبیات ایران پس از قاجار، مسائل عمومی زندگی زنانه را در شعرش فریاد می‌کند. او در خیل شاعرانی نمی‌گنجد که تمام تلاش خود را صرف پس و پیش کردن قافیه ها می‌ساختند تا نادره دوره خود باشند. او تجربه های تلخ زندگی در میان مردم و جامعه ای را به قصیده هایش سپرده که میان آنچه که به ظاهر به آنها می‌اندیشند با آنچه که در باطن خویش به آن گرایش دارند و از زندگی آن را می‌طلبند، درّه ای عمیق حفر می‌کنند: معلق ماندگی میان گذشته و آینده.

این درّه عمیق، ذات نوع تجددطلبی ایران پساقاجار است. بی تردید پروین توفان های عصر استبداد صغیر و دوره استبداد رضا خانی را عمیقاً درک کرده و در مقام یک زن، صدای آزادی خواهی اندرونی نشینان را نگین شعرهای خود ساخته است. حیابورزی و سادگی شعرهای اوست که شعر شهروند خانه نشین را از گنج‌های خانه تا صحن و سرای دیگر خانه ها و شهرهای کشور می‌رساند. زنان شعر او را می‌خوانند و در حلقه انجمن های زنانه ایران دست به دست می‌گردانند. بگذریم که زنانه نگری و زنانه نویسی، راه ها و بیراهه های بسیاری را بر سر راه تجربه گران خود گذاشته، اما پروین هوش سرشاری داشت که همان هوش، شعر او را از باج دادن و باج خواهی و موج سواری در امان داشت.

روزی روزگاری دور یا نزدیک خواهد رسید که صدای غیور پروین، بی‌پارازیت شنیده خواهد شد. صدایی که از زوایای شعور و تربیت ایرانی و زندگی شهروندان ایران در گذار، پیام شاعره دیروز را به امروز خواهد رساند.

شاید اگر امروز هم سر برگوش دیوارهای محله بهارستان بگذاریم، بتوانیم نجوای خواهرانه و معترض شاعری را بشنویم که در خیابان سیروس منزل داشت و گاهی دست در دست پدر به میان مردم کوچه و بازار می‌آمد. آنها را با نگاه نگران خود می‌دید و پیچ پیچه هایشان را در ذهن خود جمع می‌آورد و در خلوت، با آنان و از جانب آنان شعر می‌سرود.

آن روزها هیچکس نمی‌دانست که این دختر خاموش، اختر چرخ ادب نوین ایران زمین است: پروین، دختر یوسف اعتصام الملک.

با این حال، روشن است که نمی‌توان برای ادبیات، قلمرو جغرافیایی خاصی چون روستا، شهر، آپارتمان، محلات، مناطق و ... را قائل شد. شهر یک جورهایی اقلیم حیات است. هر چه که با جسم و جان و روح و روان انسان مرتبط است، موضوعات قابل بازتاب یافتن در ادبیات به شمار می‌آیند و لذت مرور شعرها و داستان هایی که توصیفاتی دلنشین و تأمل برانگیز از شهر و زندگی دارند؛ از جمله قابلیت های ادبیات است.

در زندگی شهری، دو ویژگی بیش از هر چیز به چشم می‌آید: پرسش و پاسخ و رودرویی. این دو ویژگی از پایه های ارتباطات انسانی هستند. نقطه مقابل این دو ویژگی، تنهایی و انزواست. پس شاید بشود شهر را جایگاه گفتگو، ارتباطات انسانی، مراودات هدفمند و سؤال و جواب هایی دانست که دانش و معرفت، میوه های آن هستند.

ادبیات، همزمان هم باغبان و هم خوشه چین این باغ است. پروین اعتصامی، شاعری است که صدای زندگی در قلمرو شهر ایرانی را می‌توان در بیت بیت قصایدش دید. آیا می‌توان او را راوی زن و زندگی شهروندی نامید؟

اختر چرخ ادب: پروین

«پروین اعتصامی» در ادبیات شهری ایران، جایگاهی والا دارد. مبنای اشعار او دو محور قابل تأمل دارد: مناظره و پرسش و پاسخ. تردید نیست که دانش، حاصل مناظره و پرسش است. اگر کسی چیزی نپرسد، دانشی عایدش نمی‌شود. همان اندازه که بسیاری از شاعران علاقه مند، به تنهایی و خلوت بوده اند. گروهی نیز در پی داد و ستدهای کلامی هستند.

پروین اعتصامی، شاعر خلوت بود و با شلوغی شهر و کوچه و خیابان و اداره جات، آنچنان نسبتی نداشت و در پی نسبت گرفتن نیز نبود. چرا که با حس دقیق و عمیق زنانه، دو روی سکه ها و چهره ها را می‌دید و می‌سنجید و می‌شناخت. از اینرو در پی میانداری در جمع شاعرانه نبود و آنچنان فضیلتی نیز در این کار نمی‌دید.

تخیل، موسیقی، آهنگ کلام، وزن، ردیف و قافیه و درونمایه های مفهومی، از ادوات شعرند. این ادوات به نسبت هایی که با طبیعت زندگی پیدا می‌کنند، قلمرو مضامین را تعریف می‌نمایند. مثلاً مضمون شعر اجتماعی، حاصل پویایی تخیل شاعر در مسائل زندگی و اموری است که انسان، خود صورت دهنده آن است. پروین، قدرت تخیل کم نظیر و حیرت انگیزی داشته است. به مدد همین تخیل است که مناظرات اشیاء در شعرهای او شکل می‌پذیرد. او با شخصیت بخشیدن به اشیاء، عمیق ترین مسائل انسانی را در مناظره های شاعرانه توصیف می‌کند.

با این حال، چون در گرفتن ارتباط با مجامع ادبی و ملزومات ارتباطات در چنین فرصت هایی پیشقدم نمی‌شد، از مواهب درخشش در جماعت های



دنبشته های آهان آهان دار

محبوب صالح علا

۱۳۶

امان از گمان بد!

محبوب من! گفتم که آن وقت‌ها ما باهم در خانه‌ای قرار می‌گذاشتیم که نشانی‌بی نداشت. من حالا که به آنجا فکر می‌کنم، نمی‌دانم آن خانه هنوز هم نشانی ندارد و نیست؟ زیرا که ما درناحیه جوانی بودیم و همه می‌دانند در آن نواحی، همه شور است و بیقراری. چنان که حتی خود زندگی به ما پناه آورده بود. زندگی کنارما احساس خوشیختی می‌کرد. در آن سال‌های شوریدگی. در آن سالها، در جوانی، ما با همیم تا هرگز که هرگز ذخیره تاریخی عاشقان است. فقط در جوانی است که با خودمان دست می‌دهیم، خودمان را درآغوش می‌گیریم، خودمان را می‌بوسیم. [البته اگر کرونا نباشد!]



محبوب من! جوانی مکث است. مکثی به طول هزار سال و بیشتر. در جوانی است که به حقایق، نگاهی ابدی داریم. چنان که در جوانی گمانی نیست، ما هم گمانی نداشتیم. بعدتر بود که گمان‌ها به ما یورش بردند. چنان که حالا دیگر سالهاست مامهم پرشده ایم از گمان‌ها. گمان‌های بد. چنان که دیگر آب در صد درجه به جوش نمی‌آید.

محبوب من! امان از گمان بد. حکایت است که مردی با همسایه اش دشمن شد و گمان بد به جاناش افتاد. مرد دائم نقشه می‌کشید تا برای همسایه پاپوشی بسازد. آخر نقشه ای کشید تا که سر خود را بریده، به حیاط خانه همسایه پرتاب کند تا که او را به ظن قتل دستگیر کنند و به زندان بپندازند.

محبوب من! مردی که در گمان بد به زنجیرشده بود، هیچ نمی‌دانست که پس از قتل خویش، چگونه می‌تواند سربریده خود را به خانه همسایه پرتاب کند. **محبوب من!** در کنار نویسی حکایت خواندم که نوشته بود، مرد سرخود را برید؛ بی آن که بداند کشته نمی‌تواند سر خود را به جایی پرتاب کند.

محبوب من! همه مادرزادی دربی بهترین چیزها هستیم. از سبب سرخ گرفته تا انگور رسیده؛ همه چیزهای خوب دنیا را برای خودمان می‌خواهیم.

محبوب من! من هم مثل همه، منتی از همه چیزهای خوب دنیا، تنها دقیقه ای از آنجا را می‌خواهم. همان خانه ای که نشانی بی نداشت و خورشید از فرط آشتیاق هنگام غروبش دوباره طلوع می‌کرد.

محبوب من! بودا عقیده داشت که عامل همه تشکیلات دو چیز است: گرسنگی و عشق.

ناسازی را که بینی بختیار

عاقلان تسلیم کردند اختیار

گرنداری ناخن پرنده تیز

با بدن آن به که کم‌گیری ستیز

محبوب من! جوانی یادش به خیر. شیطان می‌گفت

بیا گناه کنیم، باهم از آتش جهنم لذت ببریم.

ادامه دارد



حسن فروزمند

واکوی سرنوشت واقعی رادیو در ایران - ۵۵

ادامه‌ی خاطرات تلخ و شیرین یک پیشکسوت رادیویی

اجرا کند و گروهی هم آمدند در رادیو دکور زدند و برنامه اجرا کردند. فردای شب عید، مدیر رادیو به من زنگ زد و گفت شرفی، تلویزیون را تعطیل کردید! همه جذب برنامه رادیو و این گروه نمایش روضی شده بودند. در حقیقت، هفت شب از تعطیلات عید نوروز، بازار تلویزیون کساد بود و همه رادیو گوش می‌کردند. من همان ایام به مشهد رفته بودم و وقتی در لابی هتلی نشسته بودم که دیدم مسافران آمدند و به حالت اعتراض به مدیر هتل گفتند: چرا در لابی رادیو وجود ندارد. خلاصه رادیویی دست و پا کردند و رأس ساعت ۲۱ که قصه شب پخش می‌شد، کف لابی مسافران نشسته بودند و قصه شب را گوش می‌کردند. این فقط بخش کوچکی از علاقه مندی مردم به رادیو و قصه شب بود.

*تلویزیون برای شما جذابیتی نداشت؟

- چند نمایش برای تلویزیون نوشتیم، اما متأسفانه محیط تلویزیون، پر از دروغ بود و نتوانستیم آنجا کار کنیم. زمانی قصد تولید فیلم داشتیم و با مرارت زیاد پولی تهیه و از یکی از اهالی تلویزیون دوربینی اجاره کردم و فیلمبرداری شروع شد. زمان تدوین، تازه فهمیدیم سرمان را کلاه گذاشتند و دوربین خراب به من تحویل دادند. حالم از این رفتار به هم خورد و عطای شان را به لقای شان بخشیدیم. بعدها از من برای داوری تولیدات تلویزیونی دعوت کردند که با اصرار بیش از حد یکی از مدیران فرهنگی کشور پذیرفتم و خاطرم هست که برگزیده آن دوره، «عادل فردوسی پور» بود.

***چهره‌های زیادی در رادیو و تلویزیون، از همکاری با شما با افتخار یاد می‌کنند. افرادی که حالا خودشان از ستون‌های رادیو و تلویزیون هستند.**

- بله، خیلی‌ها بودند. مثلاً «مهران مدیری» را من در رادیو پذیرفتم و سال‌ها بازیگر نمایش‌های من بود. وقتی از او تست گرفتم، صدایش به دلم نشست. حتی زمان تست برایم آواز خواند و من کمک کردم تا رشد کند.

مهران دوستی، امیرحسین مدرس، هرمز شجاعی مهر و خیلی‌های دیگر شاگردانم بودند. علاوه بر این شاگردان، دوستان عزیز از رادیو برایم باقی ماندند؛ مثل هوشنگ ابتهاج که به این دوستی‌ها مباحثات می‌کنم. ابتهاج آن سال‌ها مدیر ارکسترهای موسیقی رادیو بود و ارادت عجیبی به هم داشتیم. او برای من خیلی عزیز و شریف است و اغلب با هم شطرنج بازی می‌کردیم و رفقای خوبی بودیم.

***بعد از این همه تلاش و کوشش جانفرسا، به گذشته‌ها که بر می‌گردید، آیا پیش آمده که بابت کاری یا فرصت از دست‌رفته‌ای افسوس بخورید یا خود را سرزنش کنید؟**

- بله، خیلی وقت‌ها خود را سرزنش می‌کنم. حتی بعضی وقت‌ها به خود لعنت می‌فرستم؛ بابت برخی برخوردها را که می‌بینم و بعضی از مدیرانی که تیشه به ریشه رادیو می‌زند، بابت این همه سال عمری که صرف رادیو کردم، افسوس می‌خورم و به خودم می‌گویم آخر چرا به کار در رادیو ادامه دادم؟ چرا بعد از آن همه جان‌کندن ما و همکارانم، باید به اینجا برسیم؟ دسته دسته مخاطبان رادیو کوچ کردند و هیچ یک از مدیران رادیو اصلاً برایشان مهم نیست!

سال‌ها قبل که لندن بودم، بی‌بی‌سی به من پیشنهاد کار داد و من نپذیرفتم و به ایران برگشتم. می‌خواستند در رادپوشان تدریس کنم. نپذیرفتم و به خاطر علاقه به رادیو، همینجا به کارم ادامه دادم، اما مرا که عمرم را به پای رادیو گذاشتم، به راحتی فراموش کردند. می‌توانستم خیلی جاها کار کنم. خیلی کشورها به من پیشنهاد دادند. سفری به سوئیس داشتم که به احترام حضور نوای سنتور استاد وزیری را از رادیو پخش کردند. آنجا هم نماندم و باز گشتم. افتخار هم می‌کنم، ولی برخوردها تأثیر دارد و آدم وقتی این همه ناسپاسی را می‌بیند، احساس بی‌ارزشی می‌کند، اما مهم نیست ...

***هنوز هم عاشق رادیو هستید؟ اصلاً این روزها رادیو گوش می‌کنید؟**

- بله، هنوز رادیو گوش می‌کنم. هنوز هم شنیدن صدا برایم جذاب است و اگر این صدا درست نباشد، رادیو مخاطبش را از دست می‌دهد که داده است. صدا برای من هنوز هزار معنی کشف نشده دارد. زمانی گویندگان سازمان را تأیید می‌کردم. روزی فردی آمد که الان هم از مجریان بنام تلویزیون است؛ به من گفت پنج شغل دارد! خیلی عصبی شدم. به او گفتم شما صدای خوبی که نداری، دهانت برای ادای کلمات کامل باز نمی‌شود، استعداد هم که نداری، پنج شغل هم داری؛ چرا باید جای یک آدم مستعد را بگیری؟! او را رد کردم و مدتی بعد دیدم برنامه تلویزیونی اجرامی کند! البته پارتی مهمی داشت و حتی وقتی من او را رد کردم، حراست رادیو به من زنگ زد. آن زمان محمدحاشمی‌رئیس سازمان بود و من در جلسه‌ای به او تذکر دادم و سه روز بعد آن گوینده حذف شد. الان صداهای رادیو اشکال اساسی دارد. قطعاً اگر من سمتی داشتم، بسیاری از این صداهای رادیو حذف می‌کردم و می‌فرستادم شان خانه (با خنده).

*و حرف آخر؟...

- من خاک پای همه بچه‌های رادیو بودم و هستم، اما از مدیران کنونی رادیو گله مندم. من ۵۲ سال در رادیو کار کردم، اما مدیران رادیو حتی نگذاشتند به عنوان چهره ماندگار رادیو معرفی شوم.

در دو سه شماره قبل، به شرح کوتاهی از زندگی استاد مهدی شرفی؛ یکی از پیشکسوتان تهیه‌کنندگی در رادیو و یکی از بنیانگذاران نمایش رادیویی در ایران پرداختن و بخشی از یک مصاحبه بلند او را با خبرگزاری مهر، برایتان منعکس کردم. اما باز تمام مصاحبه جا نماند و ادامه آن به این نوبت افتاد. پس بی‌هیچ مقدمه دیگری، این گفت و گو را پی می‌گیریم.

*از شنوندگان هم بازخوردی دریافت می‌کردید؟

- بله و چقدر هم لطف داشتند. همان موقع، طبق بررسی‌های رسمی سازمان، برنامه من ۷۵ درصد شنونده داشت که برای مدیران رادیو باورکردنی نبود. برنامه «قصه شب» که من تهیه‌کننده اش بودم، بسیار پرشنونده بود و بیشتر هم نوجوانان و جوانان مخاطبان ما بودند.



استاد مهدی شرفی؛ از پیشکسوتان تهیه‌کنندگی رادیو

*شهرت چطور؟ مردم شما را می‌شناختند؟

- بله خیلی زیاد! اگر حمل بر تعریف نگذارید، در سراسر ایران معروف و مشهور شده بودم. خاطرم هست روزی به شهر رشت رفته بودم و کدخدایی کنار من نشسته بود. وقتی به او گفتم آقای شرفی از رادیو کنار شما نشسته، از خوشحالی سر از پا نمی‌شناخت. می‌خواهم بگویم آوازه شهرت ما حتی به روستاها رسیده بود! این قدر رادیو مخاطب داشت. در شهرستان‌ها که برای بازرسی در امور رادیویی می‌رفتم، گویندگان از ترس برنامه اجرا نمی‌کردند. چون بسیار جدی و سختگیر بودم.

***برای نسل من، این حجم از شهرت و شناخته شدن، آن هم در یک رسانه شنیداری، کمی دور از تصور است.**

- آن زمان، تلویزیون نبود و رادیو رسانه مطلق بود. به یاد دارم برنامه‌ای بود به نام «هفت روز هفته» که من موسیقی پایانی برنامه را انتخاب کردم. وقتی که برنامه پخش شد، بیش از ۴۰۰ نفر تماس گرفتند و اسم موسیقی و پدیدآورنده آن را پرسیدند. چرا؟... چون شنونده جدی رادیو بودند. نمی‌توانید باور کنید که من روزی ۱۴ برنامه برای رادیو تولید می‌کردم که هر روز هم پخش می‌شد و ابلاغ تمام این برنامه‌ها را هنوز دارم. این حجم کار الان قابل تصور نیست، اما آنقدر به من اعتماد وجود داشت که کار هر روز من بود.

***مدیران رادیو تا چه حد حاضر بودند پای عوامل بایستند و آماجی پرداخت هزینه را داشتند؟**

- چون از جنس رادیو بودند، خیلی به کار بهاء می‌دادند. مدیر، آن موقع تعریف داشت و ماشین امضاء بودن یا به قربان گویی، امتیاز نبود. واقعاً درک می‌کردند و برای نیروی خود ارزش قائل بودند. من و امثال من که با جان و دل کار می‌کردیم، حرف مان خریدار داشت. امکان نداشت حرفی بزنم و اجرا نشود. اگر می‌گفتم کسی رادیو کار نکند، قطعاً از رادیو اخراج می‌شد. یادم می‌آید نمایشی با محوریت شخصیت و زندگی حضرت علی (ع) ضبط می‌کردیم و برای اولین بار طبل و سنج به رادیو آوردم و موسیقی نمایش را ساختم. زنده یاد منصور والامقام، آن زمان دستیار من بود و مدام در رفت و آمد بود که صفحات موسیقی را بیاورد و ببرد. هنگام ضبط نمایش، از جانب اکبر مشکین اتفاقی رخ داد که نظم ضبط ما بهم خورد. مشکین یکی از غول‌های بازیگری رادیو بود و برای خودش برو بیایی داشت.

آن زمان، رئیس رادیو ایرج گل‌سرخ بود و معاون رادیو تورج فروزمند. خیلی عصبانی شدم و ضبط را تعطیل کردم و به اتاق مدیر رادیو رفتم و گفتم مشکین باید اخراج شود. اصلاً برای کسی قابل باور نبود که مشکین در رادیو نباشد. فردای آن روز، مشکین از رادیو اخراج شد. هفته بعد خود دوباره گفتم که مشکین به سر کار برگردد. منظورم این است که حرف من عملی می‌شد. من هم با جان و دل کار می‌کردم. شاید باور نکنید که آنقدر برای رادیو افتخار ساختم که از یونسکو نماینده فرستادند و بخشی از این افتخارها را برای برنامه‌هایشان بردند! آن سال‌ها ۱۴ بار برای ادامه تحصیل بورسیه شدم، اما هربار مدیران رادیو با اعزام من مخالفت کردند.

***قصه شب، یکی از برنامه‌های خاطره‌انگیز و پر مخاطب رادیو بود و با قدیمی‌های رادیو که صحبت می‌کنیم، خاطرات جالبی از آن برنامه تعریف می‌کنند. مثلاً این که برای این برنامه که به نوعی نمایش رادیویی بود، دکور ساخته می‌شد! برای مخاطب امروز این کارها قدری عجیب به نظر می‌رسد.**

سال ۵۱ که رادیو و تلویزیون ادغام شدند، اولین کسی که در رادیو بازیگر و دکور آورد، من بودم. سعدی افشار را به رادیو آوردم تا برای شب عید، برنامه جالبی

رد پای سالمندان در سریال های تلویزیونی



سیدرضا صائمی

سریال هایی که دیگر بزرگتر ندارند!

چنان که در سریال «پایتخت» که جزو آخرین سریال هایی است که سالمندان در آن مورد احترام بودند، اما «بابا پنجعلی» هرچه گذشت، بیشتر به آدم دست و پا گیر و به قول ارسطو پیرمرد پر حاشیه ای بدل شد که گویی موجب اختلال در نظم خانوادگی می‌شد. به طوری که در سری آخر، مرگ او رقم زده شد تا مانعی دراماتیک در روایت قصه های پرفراز و نشیب پایتخت برداشته شود!

البته این سریال به واسطه بابا پنجعلی و مراقبت نقی معمولی از او بر احترام به بزرگترها و شان و جایگاه آنها در درون خانواده تاکید می‌کرد. یک زمانی سالمندان و کهنسالان خانواده به عنوان معلمان زندگی تصویر و روایت می‌شدند و سریالی مثل «مدرسه مادر بزرگها» با محوریت همین معنا و مفهوم تولید شد که قصه آن درباره تعدادی خانم میانسال بود. حتی در دهه ۶۰ در سینمای ایران، فیلمی با عنوان «پدر بزرگ» به کارگردانی مجید قاری زاده داشتیم که به مساله حضور پدر بزرگ در خانه سالمندان می‌پرداخت. سریال هایی کالتی مثل «آیین» و «سایه همسایه» در دهه ۶۰ نمونه های دیگری هستند که سهم و نقش سالمندان و پدر بزرگها و مادر بزرگها در آن برجسته بود.

با این حال، کم رنگ شدن حضور پدر بزرگ و مادر بزرگها در دوران جدید و به ویژه در یک دهه گذشته را نمی‌توان به دلیل بی توجهی تلویزیون یا عوامل سازنده سریال ها به اهمیت و جایگاه سالمندان و باز نمایی آنها در سریال ها دانست. مساله این است که شاهد تغییرات پرشتاب و بنیادی در نظام خانوادگی و سبک زندگی ایرانی بودیم که در آن، سهم سالمندان کمتر شده و تغییر کرده و سریال ها نیز روایت آینه گون همین واقعیت ها هستند.

با این حال، این مطلب به این معنا نیست که ما ارزش های فرهنگی و خانوادگی خود را به عنوان ایرانی فراموش کنیم و اگر ارزش و احترام سالمندان در جامعه کم شده، این وظیفه اخلاقی و رسانه ای سریال های تلویزیونی است که بار دیگر بر جایگاه ارزشمند آنها تاکید کرده و نگذارد تا آنها در هیاهوی زندگی و جامعه امروز فراموش شوند. یک زمانی شعر می‌خواندیم: خانه مادر بزرگه، هزار تا قصه داره..... و امروز نباید این قصه ها را فراموش یا آن را به غصه بدل کنیم.

موجب شد تا نه تنها در فیلم و سریال ها که در زندگی واقعی هم دیگر پدر بزرگ و مادر بزرگها کمتر با فرزندان و نوه هایشان زندگی کنند. آنها یا در تنهایی و خانه مستقل خود حضور دارند یا در آسایشگاه ها و خانه سالمندان.

در گذشته، خانه سالمندان همواره بخش تراژیک قصه ها بود و حضور در آنجا به مثابه یک کشش غیر عاطفی معنا می‌شد. نمونه بارزش سریال «این خانه دور است» که هم قصه و حتی عنوان سریال هم در نفی خانه سالمندان بود و در انتهای قصه هم سعی شده که فضای پر از محبت و احترام در خانه سالمندان، به عنوان نیاز اصلی آنها به مثابه پیام اخلاقی سریال به مخاطب منتقل شود.

اما حالا خانه سالمندان، نه به عنوان مکانی غریب که به عنوان بخشی از ساختار و سبک زندگی مدرن پذیرفته شده و حتی شاهد روایت فیلم و سریال هایی در این فضا هم هستیم. ضمن این که مرجعیت فکری سالمندان در دنیای جدید کم رنگ شده و آنها به جای این که راهنمای حکیم نسل جدید باشند، نسل فرسوده ای تصور می‌شوند که دوران شان گذشته و درک و فهم دقیقی از جامعه مدرن امروز ندارند.

در واقع، افول مرجعیت فکری و عاطفی و خانوادگی سالمندان در جامعه، در کم رنگ شدن نقش و سهم آنان در سریال های تلویزیونی هم تأثیر گذاشته است. برای درک این کم رنگ شدن تدریجی جایگاه و کارکردهای سالمندان در نظام خانوادگی، می‌توان به دو سریال ایرانی دهه ۷۰ و دهه ۹۰ پرداخت و آنها را مقایسه کرد.

مثلا در دهه ۷۰ شاهد پخش سریالی به اسم «خانه سبز» بودیم که در عین این که خانواده مدرن ایرانی و زندگی آپارتمانی را به تصویر می‌کشید، در عین حال پدر بزرگ و مادر بزرگ هم در آن حضور داشتند و نقش خود را به عنوان آدم های عاقل و راهنما در مواقع ضروری ایفاء می‌کردند.

انگار تا این دهه و نهایتا تا دهه ۸۰ کارکردهای عاطفی و اخلاقی سالمندان مورد توجه بود و وجاهت دراماتیک آن در دل قصه ها صورت بندی می‌شد؛ اما انگار هرچه گذشت، آنها از برکت و چراغ خانه و خانواده، به موجودات بیمار و دست و پا گیر بدل می‌شدند.

نه فقط در درون خانه و خانواده ها که حتی در درون سریال های تلویزیونی هم حضور مادر بزرگها و پدر بزرگها موجب برکت بود و خیلی از جذابیت ها یا دلیل جذب مخاطب ها به شخصیت و کاراکتر آنها در قصه برمی‌گشت.

واقعیت این است که در گذشته، حضور پدر بزرگ و مادر بزرگها و اساسا سالمندان که می‌توانست شامل عمو و دایی یا عمه و خاله پیری باشد، در سریال های تلویزیونی، بیشتر بود. حتی حضور یک دایی بزرگ، مثلا در سریال «زیر تیغ» با بازی هوشنگ توکلی، آنقدر مهم و محوری بود که حتی مخاطب هم از حضور او و تجربه و ریش سفیدی اش در حل مشکلات خانواده احساس آرامش و اطمینان می‌کرد.

قصه برخی از سریال ها هم با محوریت حضور آنها شکل می‌گرفت. به عنوان مثال، سریال «پدر سالار» با محوریت یک پدر سالمند و مقتدر، بنا شده بود. حتی در سریال های طنزی مثل «متهم گریخت»، شخصیتی مثل «بی بی» و حتی پیرمردی با بازی مرحوم احمد پور مخبر، نشان می‌داد که توجه به شخصیت های سالمند در سریال های ایرانی، پررنگ بود. حتی گاهی این حضور با نقش منفی پیوند می‌خورد؛ مثل بازی زنده یاد «جمیله شیخی» در سریال «پاییز صحرا» و «پدر سالار».

اما اکنون ردپا و حضور سالمندان در مجموعه های نمایشی کم شده که دست کم می‌توان دو دلیل را برای آن برشمرد و توضیح داد. یکی این که در گذشته تعداد سریال هایی که در ژانر خانوادگی و در واقع ملودرام های خانوادگی ساخته می‌شد، بیشتر بود و اساسا این ژانر در نزد مخاطبان ایرانی، محبوبیت ویژه ای داشت و البته هنوز هم دارد.

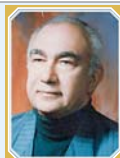
بالتبع وقتی قصه های خانوادگی زیاد بود، حضور سالمندان و پدر بزرگ و مادر بزرگ که بخشی از خانواده ایرانی هستند و در سبک زندگی ایرانی حضور پررنگی داشتند، در قصه و سریال ها هم انعکاس پیدا می‌کرد. حالا تعداد مجموعه های خانوادگی نسبت به گذشته کمتر شده و قطعا این عامل در کم رنگ شدن کاراکتر سالمندان و کهنسالان تأثیر گذاشته است.

از سوی دیگر، بسط مدرنیته در جامعه ایرانی و تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته ای و مدرن،



دوستانی بهتر از آب روان
خاطرات من و سهراب

دکتر حبیب الله صناعتی ۹۰



از دیرباز تاکنون، هزاران شاعر در وصف منجی موعود شعر نوشته و آرزوی ظهور او را مطرح ساخته‌اند، اما آنچه سهراب و فروغ در این مورد سروده‌اند متفاوت است.

این دو شاعر، با آشنایی به مسأله منجی موعود و آرزوی دنیایی سرشار از مهر و دوستی، طبع آزمایی کرده و در خیال خود چنان شخصیتی را شاعرانه مجسم کرده‌اند. سهراب در عالم خیال، از زبان منجی موعود سخن گفته و دنیا را آنچنان که دوست داشته ترسیم نموده است. اما فروغ مانند دختر بچه‌ای که مطالبی پیرامون منجی موعود شنیده و آرزوی آمدنش را کرده است چکامه‌ای عرضه نموده است. هر دو شعر جالب و خواندنی و بی‌نیاز از توضیح و تفسیر است. آنها را مرور می‌کنیم:

و پیامی در راه - از سهراب^۱

روزی خواهم آمد، و پیامی خواهم آورد.
در رگها، نور خواهم ریخت.
و صدا خواهم در داد: ای سیدها تنان پر خواب!
سیب آوردم، سیب سرخ خورشید.
خواهم آمد، گل یاسی به گدا خواهم داد.
زن زیبای جذامی را، گوشواری دیگر خواهم بخشید.
کور را خواهم گفت: چه تماشا دارد باغ!
دوره گردی خواهم شد، کوچه‌ها را خواهم گشت،
جار خواهم زد: ای شبنم، شبنم، شبنم.
رهگذاری خواهد گفت: راستی را شب تاریکی است،
کهکشانی خواهم دادش.
روی بل دخترکی بی‌باست، دب اکبر را بر گردن او
خواهم آویخت.
هرچه دشمنانم، از لب‌ها خواهم برچید.
هرچه دیوار، از جا خواهم برکنند....

کتاب «ما هیچ، ما نگاه»، آخرین کتاب آمده در هشت کتاب پیری است. سروده‌های مندرج در این کتاب، همگی پیچیده در ابهام، تعقید و همراه با استعارات گوناگون است و چنین است که درک آنها راحت و آسان نیست. نظرات گوناگون و گاه متضادی پیرامون آن به میان آمده است. داریوش آشوری نوشته است: «این دفتر را درک نمی‌کنم و دوست هم نمی‌دارم...» و توضیح داده است که سپهری در دورانی که این شعرها را سروده، از آن حال و هوای ساده و طبیعی و در عین حال آمیخته با نوعی تأملات عارفانه جدا شده و حتی آن گونه که طبیعت را می‌چشید و می‌بوید، حساسیت خود را از دست داده و به نوعی کلی‌گویی بسیار انتزاعی می‌افتد که هم‌زمان وایماژها و هم‌اندیشه آن بسیار انتزاعی است.

آن حضور ملموس سنگ و گیاه و ستاره، جای خود را در شعرهای آخرین، به نوعی حضور مثالی و تجریدی می‌دهد و زبان شعر هم بسیار زمخت و ناهنجار می‌شود. بسیار دور از آن زلالی زبان و اندیشه «مسافر» و «صدای پای آب» و «حجم سبز» که کلاف در هم پیچیده زبان و ایماژ آن را نمی‌توان از هم گشود و به نظر می‌رسد که سپهری در این شعرهای آخر به بن‌بست رسیده و به کل در کار شاعرانه خود ناکام است.

پی‌نویس:

۱- هشت کتاب، دفتر حجم سبز، ص ۳۳۸

ادامه دارد



نمایی از سریال پدر سالار، با بازی محمدعلی کشاورز و حمیده خیرآبادی

آشنایی با رمان



محمدرضا حیدرزاده

نگاهی به رمان «بیست هزار آرزو»
نوشته آناهیتا چشمه علایی

پزشکی که نویسنده می‌شود



من کمک کرده‌ام بیست و یک نوزاد به دنیا بیایند. در دوران انترنی، بخش زایمان را در یک بیمارستان شلوغ گذراندم و این شانس را داشتم که بتوانم به تولد بیست و یک نوزاد کمک کنم. به نظر می‌آید از شیرین‌ترین لحظات پزشک بودن، وقتی است که نوزاد تازه به دنیا آمده را به سینه‌ات بچسانی.

آن موجود مصوم، انگار همین الان از بهشت جدا شده و پایش به زمین رسیده. تکه‌ای از نور است که دلت را روشن می‌کند. با عصبانیت جیغ می‌زند و گریه می‌کند و تو برای اینکه آرامش کنی، با دست چپ، او را به قفسه سینه‌ات می‌چسبانی و نوزاد صدای قلبت را می‌شنود و آرام می‌گیرد. با دست راست، با پوار مکش، دهان و بینی او را از خون و مایعات خالی می‌کنی تا بتواند بهتر نفس بکشد. بندناف او را قطع می‌کنی و نوزاد را به آغوش مادرش می‌سپاری....

رمان «بیست هزار آرزو»، نوشته آناهیتا چشمه علایی توسط انتشارات نسل نواندیش به بازار کتاب آمده است. نویسنده در این رمان، به طور همزمان، هم به بیان وضع زندگی یک پزشک می‌پردازد و هم رؤیای نویسنده شدن او را شرح می‌دهد. در واقع، نویسنده، دو خط داستانی را در این کتاب، با شگرد خاصی که جاذبه داشته باشد، دنبال کرده است.

خانم آناهیتا چشمه علایی،

متولد سال ۱۳۴۷ و متخصص جراحی عمومی و همچنین مربی رشد فردی خانم‌های تحصیلکرده در مورد ازدواج، موفقیت شخصی و شغلی است. از دیگر آثار این پزشک - نویسنده، می‌توان به کتاب الکترونیکی «ازدواج مثل آب خوردن آسان است!» و کتاب کاغذی «تاب زلفت هزار دل به یکی تا روز بیست» اشاره کرد.

در رمان «بیست هزار آرزو» می‌خوانیم:

آرایشگاه شلوغ است. منتظر فرار رسیدن نویتم هستم. موهایم یکی در میان سفید شده ولی من هنوز سن و سالم را باور ندارم. موهایم را رنگ می‌کنم تا جوان تر به نظر برسم. دفترچه مشکی و خودکار را از کیفم بیرون می‌آورم. دیدن و لمس کردن جلد مخملی این دفترچه، مرا شاد می‌کند و باعث می‌شود احساس کنم یک قدم به آرزوی بزرگم نزدیک تر شده‌ام؛ آرزوی بزرگ من، نوشتن یک رمان است.

شنیده‌ام همه نویسنده‌ها یک دفترچه مشکی همراه خود دارند تا هر وقت نور الهام به قلبشان تابید، فوری نور را بیاورند و به صورت نوشته ثبت کنند. دیروز که این دفترچه را دیدم، درجا فهمیدم که خودش است. قیمت آن سه برابر یک دفترچه جیبی معمولی است، ولی برای هنر و رسیدن به آرزو باید هزینه کرد. مگر نه؟ پس بدون لحظه‌ای تردید، آن را خریدم.

خب، راستش این طوری هم نبود. در واقع قبل از خریدن دفترچه مشکی، سه بار در فروشگاه لوازم تحریر چرخیدم تا مطمئن شوم دفترچه مشابه و ارزان تری موجود نیست. پس از اینکه مطمئن شدم گزینه دیگری وجود ندارد، دفترچه مشکی جلد مخملی خوشگل را خریدم. تصمیم دارم هم‌اکنون اولین جملات را روی صفحات سفید آن بنویسم. وقت چشیدن این میوه شیرین است.

دفترچه را با می‌کنم و بو می‌کشم. عاشق بوی کاغذ سفید و دفترچه نانوشته هستم. بعد به سقف سالن آرایشگاه خیره می‌شوم و خودکار را آماده، روی کاغذ می‌گذارم. قسمم را جس می‌کنم تا نور الهام از راه برسد...



نگاهی به درونمایه فیلم «درباره پایان ناپذیری» ساخته روی اندرسون

مردی را دیدم که برای حفظ جان‌اش التماس می‌کرد



• منوچهر دین پرست

برخی دیگر از شات‌ها بحرانی دراماتیک و روحی و روانی را به مخاطب نشان می‌دهد. مانند مردی که در یک اتوبوس به گریه می‌افتد و از این که نمی‌داند چه می‌خواهد، شاکا است. یا دندان‌پزشکی که وقتی با درد شدید و بی‌قراری بیمارش روبرو می‌شود، از موقعیت خارج می‌شود و سر از یک «بار» در می‌آورد.

برخی نماها آگاهی ما از یک داستان فراگیرتر را می‌طلبند؛ مانند آنجا که هیتلر در یکی از اتاق‌های پناهگاه زیرزمینی خود مخفی شده و معاونان او، خسته از بمباران، گاه و بیگاه به او سلام نظامی می‌دهند. در حالی که به نظر می‌رسد او چندان توجهی نمی‌کند. برخی از این شات‌ها، یک رشته تکرار شونده دارند. مردی هم‌کلاسی‌اش را به جا می‌آورد، اما تعجب می‌کند که چرا این شخص به او سلام نمی‌کند. کشیشی احساس می‌کند دارد ایمان خود را از دست می‌دهد و هنگام برگزاری مراسم عشاء ربانی مست می‌کند و با یک دکتر درباره این مشکل مشورت می‌کند.

تصویر تکرار شونده دیگری نیز زنی را نشان می‌دهد که در آغوش مردی در آسمان معلق است؛ آن هم بر فراز ویرانه‌های «کلن» بمباران شده در جنگ جهانی دوم. همه اینها شاید در نگاه اول سرد و بی معنی باشند، اما رشته‌ای آنها را به هم پیوند داده است و آن مقصود اصلی کارگران است. او می‌خواهد ما را در جهانی که در خود فرو رفته ایم به خود آورد و با تلنگری، پایان ناپذیری جهان را به ما گوشزد کند.

من چندان قصد ندارم فیلم را فلسفی و با بن مایه‌های معرفتی معرفی کنم. اگرچه اسم فیلم تداعی کننده این پندار است، اما می‌توان پذیرفت که فیلم اندرسون با چنین فضاهایی آمیخته است. اندرسون



«تی اس الیوت»، شاعر و نمایشنامه نویس شهیر انگلیسی، می‌گوید: «تنوع انسان چندان نمی‌تواند واقعیت را تحمل کند.» موجودی انسانی، واقعیت را سنگدل یافت. انسانی که بر زمین پرتاب شده، ناآگاه از سرنوشتش، تسلیم مرگ، هیچ گریزی ندارد که نظاره گر تابوتش به سوی گورستان باشد. از حوادث ناگوار، رنج و اندوه، از بندگی و بردگی و از شرارت‌هایی که به طور مشخص ریشه انسانی دارند، گریزی نیست. حتی هنگامی که موجود انسانی کاملاً آگاه و حساس باشد، واقعیت سنگدل تر می‌شود.

احساساتی بودن، تحریک شونده‌گی و خشمناک شدن بیش از حدش، او را در برابر تمامی مسائل سرنوشتش آسیب پذیر می‌کند. توان رنج کشیدن او در اندازه توان لذت بردنش است. توان نگویند بخت زیستنش از توان خوشبخت زیستن او جدایی ناپذیر است. هرگونه نبود خوشبختی، او را به سمت نگویند بختی می‌برد. او پی در پی، آرزوهایی را در سر می‌پروراند که در برابر واقعیت پریز می‌شوند.

در محاصره تهدیدهای طبیعی و تحدیدهای انسانی به سر می‌برد. بر این اساس، او دیگر نه خود است و نه دیگری. او در جهانی تهی و بی معنا زندگی می‌کند که یک اتفاق مسیر او را تغییر داده و به جهانی دیگر پرتاب می‌کند. فیلم «درباره پایان ناپذیری»، نمونه پرتاب شده انسان‌هایی است که جهان بی معنای خود را می‌خواهند معنا دهند.

شاید «روی اندرسون» چنین نگاهی نداشته باشد، اما بی گمان فضای فیلم او چنین وضعیتی را توصیف می‌کند. درباره پایان ناپذیری، فیلمی هفتاد دقیقه‌ای است با ۳۲ صحنه تک شات که مانند سایر فیلم‌های اندرسون، دارای صحنه‌هایی مستقل و بدون ارتباط روایی منسجم با یکدیگر است. برخی از این صحنه‌ها، وضعیتی معمولی و کم‌مایه و حتی مضحک و کمدی را نشان می‌دهند. مانند وقتی که یک مرد جوان، زن جوانی را در حال آب دادن به گیاهان تماشا می‌کند، یا وقتی پدری بند کفش دختر کوچکش را در باران می‌بندد.



عابدین پایی

آینده گرایی و آینده نگری از کلمه تا جمله

آن را حدس می‌زند و همیشه مفکرین دغدغه آینده را در ذهن خود پرورانده‌اند و حتی به دنبال تضمین آینده خویش در جهان معنا بوده‌اند. آینده گرایی، یک رویش اومانستی است که هر انسانی دوست دارد خودش را در آینده پر مغز و با افتخار نشان دهد. گرایش به آینده به معنی انگیزش و انگیزه گرفتن از حال در جهت دریافتن دریافتگی‌هایی از آینده با اقتباس از زمینه‌ها و متن‌های گذشته و حال است. آینده‌نگری به معنی نگاه و نگرش به آینده است.

در آینده گرایی، محبت دانستن مد نظر است، اما در آینده نگری مقوله شهود و یقین به دیدن قابل تأمل می‌باشد. گرایش به آینده با نگاه به آینده، دو مقوله مجزا هستند. زیرا که آن یکی، میل به حرکت به سمت آینده را با دانسته‌هایی تجربه می‌کند، اما این یکی، یقین به دیدن را به آینده با شهود تجربه می‌نماید.

از دیگر جانب، سیستم‌های حاکم بر جامعه که اغلب سیاسی‌اند، در ترسیم آینده جامعه نقشی مؤثر دارند. چه، این که با برنامه ریزی‌های دراز مدت خود معیارهایی را در قالب قانون برای جامعه وضع می‌کنند که همین معیارها در آینده بشر، کارکرد و کاربردی سازنده دارند. بدین ترتیب، مهم‌ترین موضوعی که قابل بحث است، این پرسش است که آینده چگونه به وجود می‌آید؟

تصور بر آن است که خود چرخش، زمان بانی تولد آینده است؛ یعنی هر لحظه‌ای که می‌گذرد، در واقع نوعی آینده است که در حال، خود را به نمایش می‌گذارد. گذشت ثانیه‌ها، دقیقه‌ها، ساعت‌ها، روزها و سال‌ها خود مصداقی از موجودیت آینده‌ای است که خود را به انجای مختلفی به تصویر می‌کشد.

هر حالی به گذشته می‌پیوندد و هر آینده‌ای هم خود را در حال احساس می‌کند. بنابراین، مهم‌ترین موجودی که در آینده نقش دارد، انسان است. انسان موجودی شناخته‌اما ناشناخته است که با قدرت تشخیص، تمیز و تحلیل خود می‌تواند آینده زیستی خویش را تا حدودی مشخص نماید. آینده به دو نوع تقسیم می‌شود: نخست آینده‌ای که قابل پیش بینی است و بانی آن عقل و تدبیر انسانی است و آینده‌ای که قابل پیش بینی نیست و بانی آن جبر طبیعی است. بنابراین، دترمینیسم طبیعی و اجتماعی نیز در تغییر و تحول زمان آینده نقشی اساسی دارند. اختیار و انتخاب آینده، اگرچه در ابعادی به دست انسان است، اما بخشی از آن هم جبر است که جهان معنا در این جبر کاملاً دخیل است.

علم تجربه نشان داده است که طبیعت دارای روحیاتی متشابه است که مثلاً احتمال می‌رود حالت فردای خورشید با حالت امروز آن یکی باشد، اما در هنر و شعر چنین نیست. زیرا که زبان مجاز شعر، می‌گوید که طلوع و غروب امروز خورشید می‌تواند با طلوع و غروب فردای آن یکی نباشد.

انسان موجودی شعورمند است که این شعورمندی، او را کمک می‌کند تا که بتواند در طبیعت و جامعه، تقبل و تعقل کند و پیامد این تقبل و تعقل، منجر به فرهنگ تغییر و تحول و درختم پیش بینی می‌شود. دیدن چیزی



یا نشانه‌ای، چه طبیعی و چه انسانی که هنوز موجودیت خود را احضار نکرده است، کاری بس دشوار است؛ اما وجود آن خود مصداقی است که می‌توان بر اساس آن به موجودیت آن چیز یا نشانه پی برد.

یک رمان نویس، وقتی رمانی را طراحی می‌کند، این رمان ریشه در بینامتنیت دارد و از یک میان شکافی که نشأت گرفته از رئالیسم جادویی است، بهره می‌جوید. زیرا که او می‌تواند فرآیند تجدد را در دامن سُنّت فرود بیاورد و نوعی گفتگو مندی لازم را بین سنت و تجدد ایجاد کند و پیامد این گفتگو مندی می‌تواند کارآمد و کارگشا باشد. بنابراین، در ریشه یابی آینده گرایی و آینده نگری که به آن فوتوریسم هم می‌گویند، باید چنین ابراز نمود که فرق است بین آینده گرایی و آینده نگری. آینده گرایی به معنی میل و گرایش به سمت آینده‌ای است که آدم

تجربه نشان داده است که انسان‌ها با کمک زمان گذشته و حال، توانسته‌اند آینده خود را پیش بینی و حتی تضمین کنند. زمان در حال گذر و گذار است و ممکن است که احوالات ما در امروز با دیروز در تفاوت باشد، اما این احوالات با هم مناسبات و مطالباتی را رد و بدل می‌کنند. خیلی از آدم‌ها دنباله رو معیارهای گذشته و حال اجداد و نیاکان خویش‌اند و حتی در جهان مدرن و پست مدرن نیز برای بالندگی مطالبات و پالندگی مناسبات خویش در جامعه و کلیت هستی از کاربست‌های گذشته و حال بهره‌مند می‌شوند.

به عنوان مثال، در ادبیات و شعر و حتی فلسفه، ما با چنین حالتی تصادم داریم. یک شاعر بدون توجه به دیرینه‌های تاریخی ادبیات و شعر، قادر به تداوم فرآیند فکری خود در جامعه نیست. منابع ادبی و فلسفی و حتی علمی زمینه، متن و بستری است که شناخت ما را از خویش و محیط پیرامون خویش، گسترده و هوشمند می‌کند. زمینه‌ها مهمترین فرآیندی به شمار می‌روند که فرآیندگی ما را از حیث هنر و دانش نسبت به زمان آینده روش‌مندتر می‌کنند. انسان موجودی هوشمند و روش‌مند است و بر اساس این دو پارامتر می‌تواند زمینه‌های اجتماعی - تاریخی خود را از کالبد دیرینه‌ها استخراج نماید. بنابراین، هر وجودی یک متن است و این متن می‌تواند دارای بسترهایی چند جانبه باشد و ما بر اساس آن بسترها می‌توانیم آینده خویش را تا اندازه‌ای پیش بینی نماییم.

۱۱



از تمام روشنایی‌ها

حمیدرضا شاکری

خوانش شعری از محمد درودگری

در دادگاه شعر

«حکم: محرومیت از قدم زدن

زیر آسمان

جرم: معاونت در پرواز چکاوک

از بوم نقاشی»*

ذات و ماهیت استعاری شعر موجب می‌گردد که بیان در متن به سمت کنایه، ابهام، مجاز یا دیگر شیوه‌های بیانی متمایل شود و در نتیجه، متن شعری از مستقیم گویی و شعارسرای به سمت نوعی ابهام شاعرانه حرکت کند. ابهام در شعر البته ابهامی در جهت تولید و کثرت معناست. زیرا بیان استعاری، همیشه زمینه را برای خوانش و تأویل متن آماده می‌کند و هر خواننده، بنابر فرامتن‌ها و ذهنیت‌های خود، خوانش و تأویلی خاص و ویژه خود دارد.

در شعر «محمد درودگری»، منش استعاری کلمات، نوعی بیان کنایی به وجود آورده است. بیانی که موجی گره فکنی در متن شده و گره گشایی مخاطب را طلب می‌نماید. این شعر، بیانگر فضایی بسته و خفقتانی است که در آن «پرواز» ممنوع است و اگر پرواز را نماد رهایی بدانیم، می‌توانیم شعر را کنشی مبارزه جویانه و حماسی در حوزه ادبیات بدانیم.

طبعاً او برای تدارک و تمهید این شعر از کلماتی سودجسته است که در حوزه سیاست و جامعه شناسی نیستند، اما چنانچه ذکر شد، منش استعاری متن، همین کلمات را دارای بار کنایی و معنای ضمنی می‌کند و زمینه را برای خوانش و تأویل خواننده فراهم می‌آورد.

درست مثل کلماتی چون: شراب و ساقی و میخانه که از حوزه خود خارج شده و زمینه را برای تولید معنایی خاص در حوزه‌ای دیگر (چه بسا حوزه‌ای به کل متفاوت) در سنت شعری عرفانی، آماده و مهیا می‌سازند.

در شعر «درودگری»، مجرم یک نقاش است که به علت ترسیم پرواز پرند، از قدم زدن زیر آسمان محروم می‌شود یا بهتر است بگوییم که به زندان می‌افتد. نقاشی ترسیم شده این نقاش را می‌توان دو گونه دید:

پرنده در آسمان نقاشی، آزادانه در حال پرواز است.

پرنده به کل از آسمان نقاشی خارج شده و رفته است. وجود حرف اضافه «از»، احتمال خوانش دوم را تقویت می‌کند. در واقع، پرنده از تابلوی نقاشی هم گریخته است. خوانش دوم، تخیل غنی تری را به اجرا گذاشته است.

ای کاش در شکل بندی شعر، ابتدا جرم نقاش ذکر می‌شد و سپس حکم او، تا متن منطقی تر به نظر می‌رسید. هر چند شاید شاعر خواسته است با این فرم بیانی، نقاش را از پیش محکوم جلوه دهد.

*جاده آویشن، محمد درودگری، بوتیمار، ۱۳۹۲، ص ۳۵



Lord Byron Quote

With flowing tail, and flying mane,
Wide nostrils never stretched by pain,
Mouth bloodless to bit or rein,
And feet that iron never shod,
And flanks unscar'd by spur or rod,
A thousand horses - the wild - the free -
Like waves that follow o'er the sea,
Came thickly thundering on.



ترجمه: الهه شیرخدا

مهمیز و ترکه نمی‌هراسد
هزار اسب وحشی
هزار اسب آزاد
همچو امواج موج دریا
همچو تندر... آمد

شعری حماسی از

لرد بایرون

با دُمی همچو آبشار و یالی خروشان،
پره‌های بینی که هرگز
به رنج فراخ نمی‌شود
دهانی که ذره‌ای
با افسار خونین نمی‌شود
و ساق‌های آهنینی
که هرگز نمی‌سُرد
و پهلوهایی که از



• رضا رفیع

از فرمایشات ما!

ارتباط تنگاتنگ گوساله و جو نامبرده!

هیچکس عقلش کامل نیست. فلذا ما نیز با همین عقل ناقص خودمان این قدرها می‌فهمیم که در این دنیای تنگاتنگ، خیلی چیزها هست که ممکن است به خیلی از چیزهای دیگر ربط داشته باشد و بالعکس، هرچند به ظاهر، نامربوط باشند. به کسی مربوط نیست. گاهی حتی ممکن است کف پای آدم بخارد یا درد کند، اما در نهایت به شقیقه اش ربط پیدا کند.

بیت نامربوط:

جهان چون چشم و خط و خال و ابروت

و هر چیزیش به یک چیزی است مربوط

توضیح مربوطه: به قدری همه چیز با همه چیز مربوط است که حتی در شعر بالا نیز اگرچه کلمه هم قافیه با «ابروت» به ظاهر نامربوط به نظر می‌رسد؛ اما اگر درست دقت نمایید، قافیه به

خاطر حفظ ابروت، مربوط است.

البته این هم هست که

هرچه آدم عمیق تر و دقیق تر به

چیزهای خودش و اطرافش بنگرد

و خیره شود، صدالبته که بیشتر از

بقیه متوجه عمق و طول و عرض

و ارتفاع این ارتباطات می‌شود که

حتی شرکت ارتباطات و فناوری

اطلاعات هم ممکن است ملتفت

آن نشود. و نمی‌شود هم، چه، اگر

می‌شد، مشترک مورد نظر همیشه

در دسترس واقع می‌شد و نمی‌شد هرآنچه که نمی‌باید می‌شد.

شاهد مثالش همین افزایش نرخ گوشت گاو و گوساله اش! شما فکر می‌کنید ناشی از چیست؟ در این ارتباط مشروح البته که نظرات متفاوت است و ما ذیلاً به چند فقره اش اشاره می‌کنیم و می‌گذریم:

۱- ساختار غلط اقتصادی زیاد

۲- افزایش قیمت گاو و گوشت نامبرده

۳- سهمیه بندی بنزین و اختراع کارت سوخت

۴- انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی

۵- کاهش نرخ سوء بانکی

۶- افزایش قیمت جهانی نفت و دوج ابعلی

۷- گران شدن سکه و زیاد شدن طلاق

۸- استعفاي برخی مدیران به خاطر عدم مدیریت درست

۹- عدم دخالت شهرداری و شورای شهر

۱۱- کیفیت بازی تیم های فوتبال مطرح ایران

۱۲- واگذاری برخی بانک های دولتی به بخش خصوصی!

۱۳-و غیره!

نظرات پراکنده و پراکنده را ملاحظه فرمودید؟... مردم چه فکرها که نمی‌کنند! نخیر، اینها همه اش کنشک است. علت اصلی گران شدن گوشت گوساله، بنا به گفته مسوولین و کارشناسان خبره در امر جوشناسی، کمبود «جو» می‌باشد. هی جو!...

ابراز همدردی: البته کاهش قیمت جو و در نتیجه کاستن از قیمت گوشت گوساله، همچین کار ساده ای هم نیست و وقت می‌خواهد. به قول معروف: تا گوساله گاب(!) شود/ دل صاحبش آب شود. باید که با تغییر درست ساختار گوساله اقتصاد کشور؛ زمینه تبدیل آن را به یک گاو گوشتی و شیری قابل توجه فراهم آورد. منتهی باید درست عمل کرد. وگرنه همین ارزان کردن یک قلم «جو» هم کار شاقی است.

نظر سعدی در باب جو:

رفت تا آب جو غلام آرد

آب جو آمد و غلام ببرد

کمبود جو دام‌هایی نظیر همین گوساله مورد بحث را باید جدی گرفت. بخصوص که احتمالاً مقادیر معتنایهی از این «جو»، صرف ساختن ماء الشعیر بدون الکال هم می‌شود که می‌گویند برای کبد و کلیه و... غیره آدم، هزار و یک خاصیت دارد و هفتاد مرض را از بین می‌برد که اولیش خود آدم است!



• وحید حاج سعیدی

مفاخره بُز و پراید!

روزی پراید به شیوه نامداران، به مناظره و مفاخره با بزی دانا و سرد و گرم چشیده روزگار مشغول شد و نستجیده گفت: «من از بسیاری جهات از تو برترم... من مرکب برزگران، کارمندان، پیشه‌وران، کارگران، عصاران، عطاران، بزازان، فرهنگیان و حتی برخی هنرمندانم!

بنز و فورد را یارای گذراندن استانداردهای ۸۵ گانه من نیست! در کمتر از ۲۵ ثانیه میلیون‌ها دستگاه از من پیش فروش می‌شود. در تست کرش از زانتیا بهتر جواب داده‌ام. با وجود من مسافرت‌ها چند برابر شده و با چند روز تعطیلی، جاده‌های شمال در فرق هم کیشان من قرار می‌گیرند. مدل‌های گوناگون من افتخار صنعت خودروسازی است. با وجود این که خط تولید من متوقف شده، هنوز مرا تولید می‌کنند. مافیایی از من حمایت می‌کند که حتی نمایندگان مجلس و دولتمردان و وزارت صنعت در برابر آن، توان رویارویی ندارند!

وقتی خخرفروشی‌های مذبوحانه پراید تمام شد، بز به آرامی سر بلند کرد و نگاهی به درهای بدون زه و هیکل قناص و زهوار در رفته پراید افکند و



کاخ‌های شاهی از دوج من کنشک می‌سازند. مرا توان چرا در کوه‌های خوش آب و هواست و از گیاهان تازه می‌خورم و از چشمه‌های آب سرد می‌نوشم، ولی سفر با تو در جاده کفی و هموار نیز ناگوار و حادثه ساز است.

حال تو با این احوال پریشان و چهار سیلندر خطی ۸ سوپاپ و سه خروار وزن، با ساختار جلونبدی ضعیف و ساده، داشبورد خشک و بی روح، رینگ پیستون بی کیفیت، خاموش کردن‌های زیاد و ناگهانی، ریپ زدن موتور، خفه کردن‌های مکرر و استارت زدن و ... با من به مفاخره برخاسته ای؟! شرم بر تو و خط تولیدت باد!...

پس پراید خجل گشت و با سرافکنندگی دور شد. بز نیز سرافرازانه و پیروزمندانه، به کوه و صحرا روان گردید!

گفت: «با من جدل می‌کنی؟ ننگ من است با محاسنی که دارم، به هرزه دارایی‌های تو پاسخ دهم!»

باری، اگر به تو پاسخ ندهم، برایم شرمساری سنگینی است. چرا که مردمان پارسی در افسانه‌ها و شب نشینی‌هایشان گفته اند که تو خودرویی هستی که در تصادفات به چند قسمت نامساوی تقسیم می‌شوی و گاه پلیس راهور در گزارش صحنه تصادف، از تشخیص تعداد سرنشینان کشته شده تو عاجز مانده و تنها به عبارت خودروی پراید با حداقل یک سرنشین بسنده کرده است!

در سرعت زیاد، چون پر کاهی از جا کنده می‌شوی و چون طایفه لولیسان، در جاده معلق می‌زنی! دزدان و طاران در کسری از ثانیه، تو را

تبسم و تفکر



فائز علی‌یوستی

• متولد ۱۳۴۷ در تهران

• دارای مدرک کارشناسی ارشد انیمیشن از دانشگاه تربیت مدرس

• همکاری با بسیاری نشریات؛ از جمله کیهان کاریکاتور، سوره نوجوانان

آفتاب گردان و احمد در لبنان



امروز در تاریخ

تأیید و اجرای حکم اعدام دکتر حسین فاطمی

ششم آبان ۱۳۳۳، محکمه تجدیدنظر نظامی تهران حکم اعدام دکتر حسین فاطمی، وزیر امور خارجه دولت دکتر مصدق را تأیید کرد و این حکم به اجرا درآمد. دکتر فاطمی بارها صریحاً و بابه کار بردن واژه‌هایی تند از شاه و بیستگان او انتقاد کرده بود و به همین علت، شاه توصیه مشاییر و روحانیون اصفهان برای دادن عقیقه، مجازات به او را ننموده بود.

انتقادهای دکتر فاطمی از شاه و نظام سلطنتی عمده‌تاً در مقالات روزنامه باختر امروز منعکس می‌شد که ناشر آن دکتر فاطمی بود.

در گذشت جان لای

بیست و هشتم اکتبر ۱۷۰۴، «جان لاک»، فیلسوف تجربه‌گرای انگلیسی درگذشت. وی در ۲۹ اوت ۱۶۳۲ به دنیا آمده بود. اعلامیه استقلال ایالات متحده بر پایه افکار او نوشته شده و علوم سیاسی و فلسفه سیاسی در این کشور شکار گرفته است.

به باور لاک، هر فکر، عقیده و دانش ناشی از تجربه است. او می گوید که بشر طبیعتاً دارای حقوق و تکالیفی است و این حقوق عبارتند از: حق حیات، حق آزادی، حق مالکیت، حق پرداختن به کاری که در آن علاقه و استعداد دارد، حق انتخاب دولت و قانون‌سازان (نمایندگان پارلمان)، حق محاکمه شدن در دادگاهی که دارای هیأت منصفه و قاضی عادل باشد، حق اعتراض به تبعیض و انحصار و غیره.

درگذشت شرق شناس آلمانی

۲۸ اکتبر ۱۹۰۰، «ماکس مولر»، شرق شناس
شهر آلمانی درگذشت. مولر درباره زبان سانسکریت،
هندوئیسم و مهاجرت آریایی ها تحقیق فراوان کرد و ریشه
و خویشاوندی زبان های آریائی (از جمله آلمانی، پارسی
و انگلیسی) را به دست داده است.

وی کتاب‌های مذهبی هند باستان را به آلمانی و انگلیسی ترجمه کرده است. نتیجه تحقیقات مولر نشان می‌دهد که آریایی‌ها مردمی شکیلی، نجیب، صحیح‌العمل، قدردار، خوش رفتار و باسلوک، آرام و موقر، منظم و مرتب، سخت‌کوش و با استعداد، دارای طبیعتی خوب، علاقه‌مند به امور نظامی و تمدن و فنانورد، وفادار به فامیل و مردکان خود، عاشق آب و شیران (روزی) بودند.

www.iraniashistoryonthisday.com

قاب امروز



بیرداشت شالی (برنج) به روش سنتی از مزارع استان گلستان / عکس از: عقیل مهقانی

سرایه

به چشم نهان بین نهان جهان را
که چشم عیان بین نبیند نهان را
نهان در جهان چیست؟ آزاده مردم
بینی نهان را، بینی عیان را
جهان را به آهن نشاید بستن
به زنجیر حکمت ببند این جهان را
دو چیز است بند جهان، علم و طاعت
اگر چه گشاد است مر هر دوان را
ناصر خسرو

سند به رگان

زندگی مجموعه‌ای است از اشتباهات،
آموزه‌ها، تحمل و رشد، تمرین صبر و
تلاش مداوم.

بیلی گراهام
هرکس باید طوری زندگی کند که الگویی
برای سایرین باشد.

رضا مارکی

زندگی سریع‌دویدن، بالا و بالاتر رفتن نیست؛
زندگی توانایی کنار آمدن و جستن است.

ویوین کو موری

سودو کو

2864

					۲			
۱	۸			۴		۹		
۹		۲					۴	۷
۷		۴	۲				۱	
	۹		۷		۸		۶	
	۶				۵			۹
۸	۷					۶		۱
		۹		۷			۲	۵
			۸					

၈	၂	၇	၄	၃	၁	၃	၆	၅
၃	၆	၅	၈	၂	၇	၄	၃	၁
၄	၃	၁	၃	၆	၅	၈	၂	၇
၇	၈	၂	၁	၅	၄	၃	၆	၅
၃	၄	၃	၇	၈	၆	၁	၅	၂
၁	၅	၆	၂	၃	၃	၇	၈	၄
၆	၇	၈	၃	၁	၂	၅	၄	၃
၂	၃	၄	၅	၇	၈	၆	၁	၃
၅	၁	၃	၆	၄	၃	၇	၈	၅

حل ۲۸۶۳

جدول شرح در متن

۵۳۷۷

غلامحسین باغبان

[illegible]